نامه شاه هزآرستان

King of Hazaraistan's Letter



جان گزآری

Hazaragi

نامه شاه آزارستان

King of Hazaraistan’s Letter



جان گزآری

Hazaragi

لوز های هزآرگی قنجغے معنای شی ده انگلیسی
Suddenly کرد
Evergreen ایشیل بمنی
Brave باتور
Sweftly اُچت
Search بوپالو
Hurley سمیدم
Messenger قاصد
Tired آلاک
Exhaust ضلّه
Sun rise آفتیو
Bright جلو
Excruciating ماگُوڈ
Very tired ٹوگ ٹوگ
Pounder چورد زد
Behading مچوقلئ
Disappear without trace باد زد پاشه چولید
Leaving no stone unturn قوتی بلّاه
Gallop یاغی
Whirlwind چارخک باد
Running دئیده
Saddle قیضه
Gone in a jiffy بورکه نموری
Hill تیپه
Hump لوڈه
jarckingly قرد کد
Envoy/Advisor ارباب ملک
Convince قانے
Thunder storm گرگردرآغ
Suddenly بیبلغه
Disobidiant ناخلف
Celebration اوماغ
Wiseman آپسقال

نامه شاه آزارستان

King of Hazaraistan’s Letter

جان گلزآری

Hazaragi
Afghanistan, Pakistan, Australia

زبان هزآرگی

John Gulzari

The original work of this book was made possible through the generous support of the All Children Reading: A Grand Challenge for Development (ACR GCD) Partners (the United States Agency for International Development (USAID), World Vision, and the Australian Government). It was prepared by Asafeer Education Technologies FZ LLC and does not necessarily reflect the views of the ACR GCD Partners. Any adaptation or translation of this work should not be considered an official ACR GCD translation and ACR GCD shall not be liable for any content or error in this translation.

ISBN 978-0-6454967-2-7



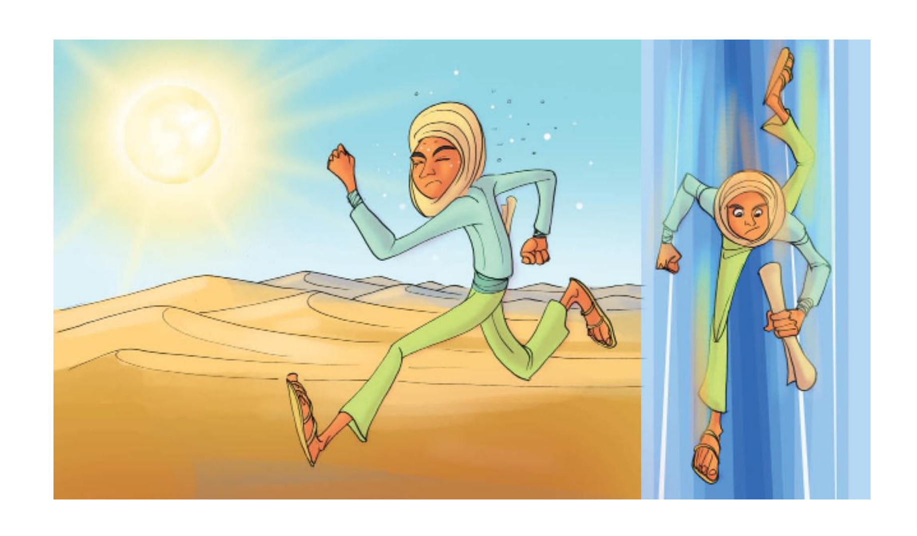
بود نبود بودیار بود، دآنه نبود، خوشه نبود، شودیار بود.....ده پوشت کوه بابا یک دنه بادشای ممدیار بود، که نام شی شاهِ آزارستان بود. که سری مملکت آزارستان بادشای موکد. یک کرد بادشاه تصمیم گرفت که شاه زاده خالیقو قد شاه دختر آغی نگار دختر بادشاه تاجیخو آروسی کنه.
وا یک دیگے خو ده شکار دیده بود.



شاه آزارستو یک منجی نوشته کد بلدے شاه تاجیخو
"قدرتو شاه تاجیخو! امید منوم که سری حال باشی،
امر ازمه امی استه که باچے مه شاه زاده قد دوختر
تو شاه دختر آغینگار آروسی کنه، و آروسی ده امزی
ماه چارده باشد و ای آروسی چیل 40 شاؤ- روز دوام
دشته باشه. مه متلِ جواب شمو استم. ایشیل بومنید.
- شاه آزارستان."



بعد ازوه که نامه نوشته شود، بادشاه ادم مخصوص خو باتور ره توش کد که یک نفر اُچت بوپالو که ای منجی ره ده بادشاه تاجیخو سمیدم بیرسنه مثلی باد وری.



قاصید منجی ره گرفت اُچت دوید مثلی باد وری، روز و شو دئیده کد، دشت، کو و سارا ره تیر کد. بعد از چند روز اُو زلّه الاک شود از دئیده کدو، آفتیو ام خیلی جلو بود فقط بوگی آدم ره جیرمل موکد از گرمی.



اُوتصمیم گرفت که کم دم خوراس کنه، چره که از دئیده کدو ٹوگ ٹوگ شوددد، وقتی اُو از خاؤ بیدآر شود نامه ده جیب شی نبود، اُو گرد گوشے خو توخ کد مگم اونجی هم نبود. اُو چورد ذد که بچم باد بورده باشد، قاصید تصمیم گرفت که پس ده آزارستو نره چرکه شاه سرشی ره مچوقلیئ موکد. اُو اموتر گوم شود فقط بوگی «باد زده پاشه چولیده» باشه، دیگه که قوتی بلاه کد پیدا نشود.



بادشاه دل نیگرو متل قاصید شیشت، هفته، ماه تیر شود مگم قاصید دیگه کس ده چیم ندید، بادشاه هزآرستو دیگه منجی نمشته کد و مُزدر خو گفت کی دیگه قاصید پیدا کو که ای نامه ره بوبره، مزدور پیسم یک دنه قاصید دگه پیدا کد و گفت ای منجی ره باد وری بوبر ده شاه تاجیخو بیرسنو. او گفت خیلی خوب و چارخک باد وری دیده کد، و قروب چروب شود.



ایمکرد ارباب ملک یک پالوان ره بلدے ای وضیفه پیش نیاد کد، مرتکے باتور اسب خوره قیضه کد و «بورو که نه موری» تاکه ای منجی ره ده شاه تاجیخو بیرسانه.



روز و شؤ فقط یاغی وری اسب خوره دوند، حلّه حلّه کوه، دشت و بیابو ره یک یک کد، دان راه خیلی سختیا ره تیر کدگ تاکه ده منزل خو بیرسه. یک روز سری اسب دیده موکد که سری یک تیپه قیگ شود، و از سری لوڈه لخشیده تا پرید، و اسب شی قیرد کده نقروب شود.



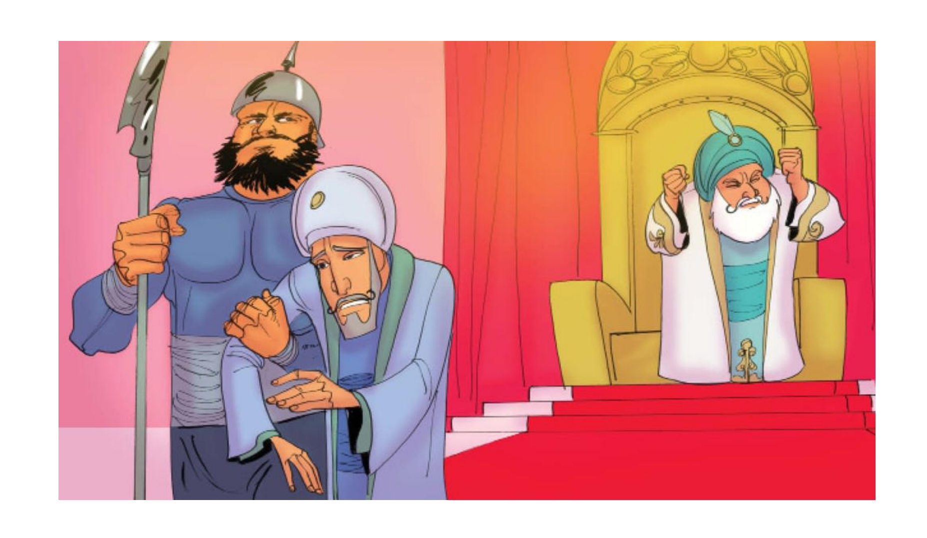
امی مرتکه باتور کلو چورد زد، که یالی چیز کار کنوم اسب مه خو رفت نقروب شود. او خبر بود که تاکه ای کار ره انجام ندیه و ازو شاه تاجیخو جوآب منجی ره نیرم پس ده آزارستو رفته نمیتنم.



بادشاه روز، هفته و ماه را چیم ده راه شیشت مگر اُو شاهجوان نماد. شاه آزررستو کلو سری قار یک نامه دیگه نوشته کد و کارمند خو گفت که قاصید سیؤم ره رای کنو. ایمکرد ارباب ملیک یک کوتر خبر رسان ره پیدا کد و بادشاه ره قانے کد ای منجی ره ای کوتر ذودتر میرسانه، و بادشاه ره اتمینان دد که ای کوتر نامه تاجیخو ره ام پس میره.



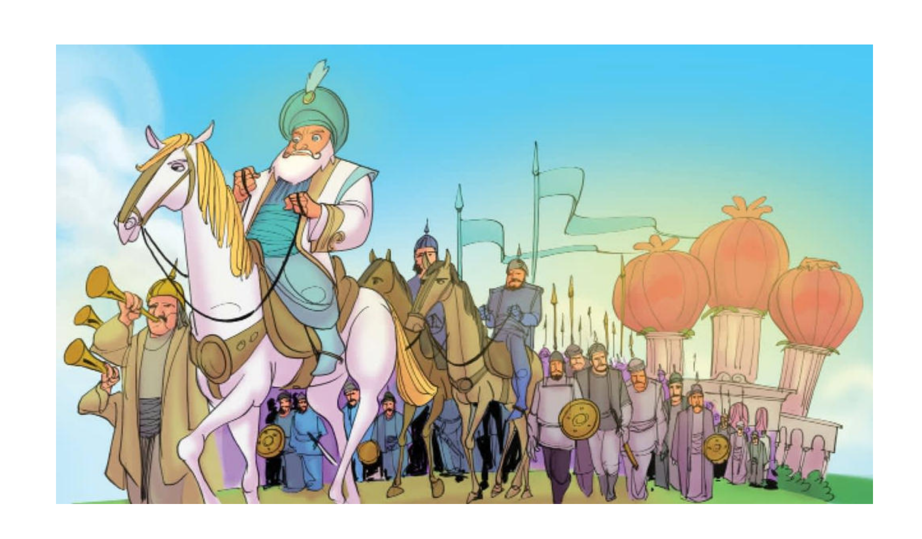
اُو نامه ره ده پیچے کوتر بسته کد و کوتر ره ایله کد. پاس از چند شاؤ روز پور کشیده رفت، دان راه گرگردرآغ، آؤر، باد و بارو ره تیر کد، که شائین بیبُلغه از پوشت شی سم شود. باز قد پنچے خو ماميز کد و زد کوتر ره پرای شی زد اوگار کد، و کوتر وخت ده کار دشت تاکه پرای شی سلمد شونه، و او کوتر هم ده مقد رسیده نتانیست. و دیگه پس ده آزارستو پس نماد.



یالی دیگه بادشاه آزارستو از ناکامی ارباب ملیک خسته شوده بود و گفت بوبرید ای نا خلف ره ده زندان بندختید.



بادشاه آزارستو گفت مه خودم موروم و ای نامه ره بلدے شاه تاجیخو میرسنم. و شازاده خالیقو ره ده جائ خو بادشاه مقرر کد و خودشی ریئ شود. و یک کٹہ لشکر ره هم قد خود خو بورد.



چند شاو روز تیر شود و ده را مشکلات غدر ره تیر کد مثلی حمله حیوانائی جنگلی و دوز و راه زن ره تیر کد.



یک لشکر از عسکرا خو پیشلو مورفت و قد قاصید بلدے بادشاه و لشکر شی خبر میدد که راه پاک استه و اُونا پیش قدمی کنه.



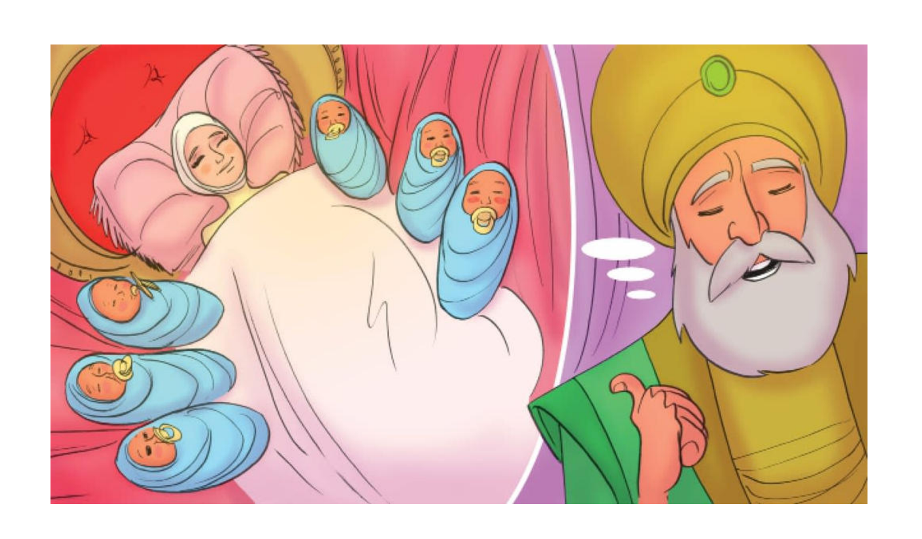
بادشاه آزارستو چندین ماها پیاده سفر کد قد لشکر خو
و دمرس هیچ نکد، کلی امزی زحمات فقط از خاطیر
یک نامه. اخیر قلای شاه تاجیخو را دید.



وختی که بادشاه ده قلای رسید تا 10 روز بادشاه تاجیخو اوماغ گیرفت.



پاس ازو که اوماغ تامو شود بادشاه آزارستو قد شاه تاجیخو اختلات کد و خاستگاری شاه دختر آغی نگار ره تلبست.



شاه تاجیخو گفت، الی کم دیر کدی شاه دختر ره گاه ده شوی ددوم و آلی6 دنه ذوزاد دره.



بادشاه آزارستو غدر قار شی اماد و گفت که: "امر ازمه ای استه که مه ده مملکت خو یک نفر اپسقال ره پیدا کنوم که اُو بلدے مو یک دستگا خبر رسانی ره برای مو جور کنه."



شاه تاجیخو گفت: مو از تریقے دود و بیرق از سری ای کوه ده دیگه کوه پیغام میدی، و ایتر قاصدا ام خسته نموشہ و پیغام ام از چند کوه تیر شوده ده جای خو میرسه. و ای رمز ره دشمو هم پییٔ نموفته.

بادشاه آزارستو گفت انی خوب چل استه و ازی پاس مه هم ای چل ره ده کار مُوبروم.

بادشاه گفته: ایشیل بومنی. و ازونجی پس ده آزارستو رفت.

سماق ازی قصه ای بود که.....

اگه صلا جای ندشتی قد کولے خو صلا کو

کتاب سماغ

قصه گوئی ده

زبیون آزرگی

بلدے

زوستون

اولنه

